

هو الحیّ

باز بلند مکنت پرواز نمود و غراب غیرت از مغرب جان متصاعد و باوج عماء قدرت متمکن شد و از صعود آن صعوه خاموش حدیقه عزت بخروش آمد و بلبل ریاض قدس در ملکوت انس بحرفیکه منزّه از حرف و صوتست مغرّد گشت از لحنی از آن حجبات عظمت خرق شد و سرادقات رفعت منهدم آمد و از لحن دیگر آن روح بقا از مدینه وفا راحت بخشید و نور لقا لطایف نعمت را از جذبۀ ورقا بچشید و مصباح احدیّه سراجی از کافور برافروخت و صرف عدم علم قدم فوق جبل ظهور برافراخت و نور صمدیّه در بلور وجود غیبیّه نار احدیّه بعد از تقدیس از مشکاة اسمیّه مشتعل فرمود چه مبارک نفسی که بآن نور مهتدی شود و چه فرّخ وجودی که بآن نار مصطلی گردد حینئذ قل

قلباً طاهراً فاخلق فیّ یا الهی سرّاً ساکناً جدّد فیّ یا منائی و بروح القوّة تثبتنی علی امرک یا محبوبی و بنور العظمة فاشهدنی علی صراطک یا رجائی و بساطان الرقعة الی سماء قدسک عرّجنی یا اوّلی و باریاح الصّمدیّة فابهجنی یا آخری و بنغمات الازلّیّة فاسترحنی یا مؤنسی و بغناء طلعتک القدیمة نجّنی عن دونک یا سیدی و بظهور کینونتک الدائمة بشّرنی یا ظاهر فوق ظاهری و الباطن دون باطنی

این سند از کتابخانه مرجع بهائی داندلده شده است. شما مجاز هستید از متن آن با ترجمه به مقررات مندرج در سایت www.bahai.org/fa/legal استفاده نمایید.

آخرین ویراستاری: ۱۲ مه ۲۰۲۴، ساعت ۱:۰۰ بعد از ظهر